



۲۰۱۸/۰۸/۲۲



ملک الشعراء محمد نسیم اسپیر

## نظری بر هر سال حج؟؟

با وضع نا بسامان سیاسی، اقتصادی، نظامی و حوادث خونین در سراسر افغانستان، بازگشت مهاجرین بی سرنوشت از پاکستان، فقر و بیچارگی مردم، سفر تعداد کثیری از زن و مرد برای ادای فریضه حج، با مصرف ملیارد ها افغانی برای همه سؤال برانگیز است. انتشار شعر قوم به حج رفته و استقبال گرم دوستان، مرا به یاد سروده ای در همین مورد انداخت که از نظر تان می گذرد:

ایکه تو هر سال به حج می روی      راست قدم مانده و کج می روی  
حج به کنار در و دیوار توست      طفلک همسایه بیمار توست  
صاحب اعزاز و بضاعت تویی      مرد توانا و سلامت تویی  
داده خداوند (ج) به تو، جاه و مال      می رسد منزلت بی زوال  
خفته به همسایگی ات پیر مرد      با تن آزرده و با رنج و درد  
شهر بؤد پُر ز فقیر و گدا      عزم سفر چیست برای خدا؟؟



جامعه را گر بود اینگونه زیست      رفتن حج بر من و تو فرض نیست  
تا که فقیر است، مبر نام حج      حکم خدا نیست به انجام حج

گرسنه ای را به غذا سیر کن  
فرض به امداد گدایان بود  
باز برو عزم به تدبیر کن  
شمع که در خانه درخشان شود  
با فقرا یاری و احسان بود  
به که ازو مسجدی لمعان شود  
پیشتر از کعبه، دلی را نواز  
باز بنه گام به راه حجاز

م. نسیم (اسیر) ۲ اکتوبر ۱۴م، فرانکفورت



آیا برای اینها هم عید است

